

انتشار کتابهای دینی در صورتی هم که صحت می‌داشت، از مدت‌ها پیش از بین رفته است. منبع درآمد انتشارات آکسفورد چاپ فرهنگ لغات است و انتشارات کمبریج نیز برای این منظور خود را در خط انتشار مجلات تخصصی انداخته است. هر دو مؤسسه توانسته‌اند کیفیت دانشگاهی را با صرف حداقل هزینه حفظ کنند. اگر قرار است موقعیت دانشگاهی تضعیف نشود، دانشگاه باید از دست زدن به بعضی کارها اجتناب ورزد: انتشار عنوانهای پولساز و جهت‌گیری. منتشر کردن ادبیات خلاق برای مؤسسه انتشارات دانشگاهی معمول نیست، و این امر شاید به خاطر رعایت این سنت مرده باشد که بنابر آن دانش و هنر دو چیز متفاوت‌اند و قلمرو دانشگاه فقط در زمینه دانش است، و شاید به خاطر این واقعیت که تشر داستان دست کم کاری تخصصی است. در حقیقت کمبریج سه کتاب داستان منتشر کرده است، ولی برای اینکه موجب بدگمانی کتابفروشان نشود، آنها را عمیقاً در لباس تاریخ عرضه کرده است. «مناسب برنامه انتشارات بودن» مفهوم پر اهمیتی است. چاپ کتاب داستان به وسیله کمبریج به نظر خوشایند نمی‌آید. وقتی کسی مقاله‌ای جایزه برده‌ای را درباره «بعضی جنبه‌های خزانه‌داری چارلز دوم در ۱۶۶۱-۱۶۶۲» با ضرر انتشار داده است، این فکر می‌تواند وسوسه‌اش کند که اگر فقط

اختیار او قرار دهند. در عوض او باید خود را در وضعی قرار دهد که به مؤلفان دانشگاهی مزایایی عرضه کند: نه فقط از راه پرداخت نرخهای (درصدهای) مساوی با سایر ناشران، بلکه از طریق متقاعد ساختن آنها به این نکته که کتاب علمی او را در سطحی گسترده و مؤثر هم‌تراز با رقبای خود (سایر ناشران) خواهد فروخت. این امر مستلزم وجود نوعی سازماندهی توزیع و فروش در سطح جهانی است، زیرا تک‌نگاریهای دانشگاهی (مخصوصاً در زمینه علوم)، اگرچه در کشورهای مختلف به تعداد کمی فروش می‌رود، از هر نوع کتاب دیگری بین‌المللی‌تر است.

چنین سازمانی بدون وجود منابع کافی نمی‌تواند ایجاد شود، و برای بقای خود نیازمند داشتن کتابهای خوش فروش همیشگی است که بتواند «آب باریکه» ای برای هزینه پرداخت حقوقها، اجاره‌ها و مالیاتها باشد. مسئله بر سر پیدا کردن راههایی است برای بازگرداندن سرمایه، بدون اینکه خصلت دانشگاهی فهرست انتشاراتی مؤسسه را آبکی کند. مؤسسات انتشاراتی آکسفورد و کمبریج برای این منظور چاپ کتاب مقدس را در اختیار دارند که باعث می‌شود چاپخانه‌های آنها هرگز بیکار نمانند و هزینه حقوق فروشندگان و انباردارها از این طریق تأمین شود، اگرچه امروزه رقابت در این کار به حدی زیاد شده است که منافع افسانه‌ای

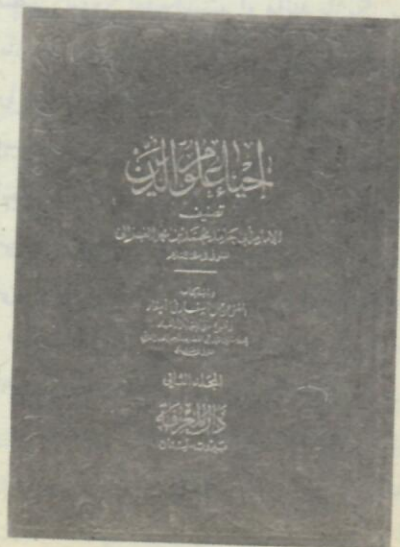
## نقد و نظر

عبدالکریم سروش

### نگاهی به احیاء علوم الدین و الموجهة البيضاء

نظر در تاریخ تفکر مذهبی آشکارا نشان می‌دهد که نهضت اصلاح اندیشه‌های مذهبی و تلاش برای خرافه زدائی و احیاء و پیراستن آموزشهای اصیل آئین‌های الهی موقوف و منحصر به زمان ما نیست. در روزگای ما کسانی چون سیدجمال، اقبال، عبده، شریعتی و غیر هم در برابر هجوم اندیشه‌های مادی و غربی از خارج و در برابر نفوذ بیماری تحجر و تجزم از داخل، دست به این اصلاح و پیرایش زدند، اینان نوآورانی بی‌ریشه و بی‌ساقه نبودند بلکه از سنت دیرین گذشتگان خود عبرت می‌آموختند. در فرهنگ مسیحیت، پروتستان‌تیزم نهضتی واژگون‌کننده و پرنفوذ و دراز آهنگ بود. در خاک اسلام گرچه درختی بدان تناوری و سایه افکنی نروئید و پای نگرفت اما اینجا و آنجا، بتفاریق و تفاوت‌نهایی نازک و ظریف و عطرآگین و هوش نواز برآمد و قطعه‌هایی از قلمرو بزرگ اندیشه‌های مسلمین را که برنگ التقاط و انگ انحراف مطعون و متهم بود تعدیل و بسامان کرد.

افکار مسلمین پس از گذشت پنج قرن از ظهور اسلام هم



می‌توانست زندگینامه نویسنده یعنی نل گوین (Nell Gwyn) را از پیش به دست آورد قادر می‌بود ضرر گذشته را جبران کند. اما ناشر دانشگاهی باید در مقابل این وسوسه‌ها ایستادگی کند، و یا حداقل اگر قصد دارد در یکی از رشته‌های تخصصی نشر داستان، موسیقی، حقوق، طب یا کتابهای کودکان فعالیت کند، نه به صورت خرده‌کاری و فرصت طلبانه بلکه با اطمینان کامل و در مقیاسی وسیع باید عمل کند.

در حالی که مؤسسه در سطحی وسیع مشغول کار باشند، بزرگترین مشکلات در شعبه‌های خارج از کشور پدید می‌آیند. نیاز به تنظیم دخل و خرج، هواداریهای طبیعی کارکنان، و فشار اجتناب‌ناپذیری که بر ضد گرایشهای خارجی و به نفع گرایشهای بومی وجود دارد، همگی شعبه انتشارات دانشگاهی را به سمت نشر محلی سوق می‌دهند. اگرچه این امر ممکن است باعث استحکام مؤسسه گردد، ولی مانند هر تنوعی سبب تجزیه هویت و کنترل مؤسسه و نیز بی‌اعتبار شدن ادعاهای استوار بر آرمانهای دانشگاهی می‌شود.

کار کردن در سطح محدود نیز مشکلات خودش را دارد. بعید به نظر می‌رسد که یک مؤسسه انتشارات دانشگاهی بدون توزیع جهانی، بتواند کتابهای مورد نیاز دانشکده خود را تأمین کند. ایجاد

شکلی از نشریات محلی که از پس مانده‌های بازارهای بزرگتر، نوشته‌هایی مانند شرح مراسم و تشریفات دانشگاهی، یادنامه‌ها و افتتاحیه‌ها و یا مطالب خاص دانشکده‌ای تشکیل نشده باشد، آسان نیست. مؤسسات انتشارات دانشگاهی آمریکا و استرالیا با وجودی که توانسته‌اند برای خود معرفیت کسب کنند ولی به‌نظر من در نشر کتابهای محلی از حیث مالی موفق نبوده‌اند. یقیناً اگر مؤسسه نتواند در منطقه‌ای بزرگتر از دانشگاه خود فعالیت کند، لیست نشریاتش محقر به نظر خواهد آمد. و این همان اشکالی است که در ایجاد مؤسسه انتشاراتی در یک دانشگاه جدید وجود دارد. اکنون که انتشارات دانشگاهی نظر سرمایه‌گذاران را جلب کرده است، فرصت از آن کسانی است که از سالها پیش در این زمینه فعالیت داشته‌اند.

منظره‌ای را که من در اینجا ترسیم کردم چیزی است که از پنجره گوتیک دفتر کارم در کمبریج انگلیس دیده‌ام. این تصویر صرفاً کار خود من است. به گمان من این منظره حداقل برای همکارانم در کمبریج قابل تشخیص است، ولی جنبه‌های عمده آن با آنچه که دیگران در دانشگاههای دیگر می‌بینند، اختلاف چندانی ندارد.

ترجمه مهشید مشیری

ویراسته علی صلحجو

به فلسفه یونان آمیخته بود و هم از سرچشمه‌های زلال و زندگی بخش آموزشهای خالص این مکتب به دور افتاده بود. امام ابوحماد محمد غزالی، فیلسوف، متکلم، فقیه و عارف بزرگ قرن پنجم فرهنگ اسلامی، که خود سالها بتدریس علوم رایج زمان در دانشگاه بزرگ و پرآوازه نظامیه اشتغال داشت، اندک‌اندک بدین نکته ظریف رهنمون شد که آنچه وی و دیگران می‌آموزند و می‌آموزانند، اسلام نیست بلکه تعلیماتی منسوب به اسلام است؛ و اسلام در حالت راستین و پیراسته اش مغفول و متروک واقع شده است. وی از همه مناصب و شغل‌های خود دست کشید. ماهها در بیماری شدید فکری و فشار روحی بسر برد و در کار خود و مسئولیت خود اندیشید و دست آخر به صوب مکه و در باطن به عزم عزلت و خودسازی از بغداد بیرون آمد، و سالها در دمشق و بیت المقدس منزل گزید، و به پی افکندن افکار احیاء کننده و پیرایشگر خود همت گماشت و محصول این تلاش را در کتابی بزرگ به نام احیاء علوم الدین گرد آورد. احیاء علوم الدین و یا به نامی که بیشتر رایج است احیاء العلوم

کتاب بزرگ و دانشنامه آسایی است به زبان عربی که به ادعای گمان غزالی همه چهره‌های اسلام را آنچنانکه بوده و آنچنانکه می‌باید بدان متصف و معتقد بود، می‌نمایاند. غزالی در این کتاب فقیه و فیلسوف زبردستی جلوه می‌کند که هم به فقه و هم به فلسفه پشت پا زده است. و این دو را دو سرطان می‌داند که بیکر آئین اسلام را به احتضار افکنده است. غلبه تفکر کلامی و فرورفتن در مجادلات بی حاصل فلسفی و ایجاد مجالس برای مناظرات پرغوغا و غرورآمیز متکلمین و فتاوا و حیل‌های شرعی فقیهان و خلاصه کردن مذهب در آداب خشک و بی‌روح فقهی و عبادتی و غفلت از روح خداگرایانه و عارفانه اسلامی غزالی را بسیار رنج می‌دهد و همین است آنچه او را و او می‌داند تا احیاء علوم الدین را تألیف و علوم دین را از نو احیاء کند. خود وی در مقدمه کتابش، رنج و وسواس و مسئولیتش را چنین شرح می‌دهد. «...راهنمایان همان عالمان اند که وارثان پیامبران اند و زمانه از آنها تهی است. و جز ظاهر سازان کسی نمانده است که همه مقهور شیطان اند و

فریب خورده طغیان. هر يك از آنان به طعمه حاضر خود دلخوش است و منکر را معروف و معروف را منکر می بیند. کار بدانجا رسیده که علوم دین مندرس و متروک است و منار هدایت محو و نامعلوم.

اینان برای مردم چنین جلوه گر کرده اند که علمی نیست جز علم فتوای قضاوت که به وسیله آن قاضیان بتوانند فصل خصومت کنند و یا جدل که فخر فروشان با آن بر دشمن خود پیروزی یابند و یا سخنانی موزون و دلفریب که واعظان عوام را با آن دلخوش کنند. چرا که بیرون ازین سه چیزی نمی یابند برای شکار عوام و جلب حرام و مال و مقام. اما علم طریق آخرت و آنچه گذشتگان صالح بدان رغبت داشتند که خدا در کتابش آنها را فقه و حکمت و علم و ضیاء و نور و هدایت و رشد نامیده است بساطش را فرو پیچیده اند و به طاق نسیان نهاده اند...» (المحجة البيضاء، جلد ۱ ص ۳، مقدمه مؤلف).

مقایسه کنید این سخنان را با سخنان مصلحان روزگار ما و ببینید چقدر زنده و عبرت آموز است. و تا کجا دردها و احساسها مشترک و مشابه بوده است.

غزالی در این کتابش خصوصاً از پنج کلمه فقه، حکمت، علم، توحید و ذکر نام می برد که معانی آنها تنگ و تحریف شده و بر مصادیقی بسیار محدود و باریک منطبق شده است در حالی که با توجه به معنا و کاربرد اولیه آنها این کلمات معناهایی زنده تر و گسترده تر دارند (المحجة البيضاء، جلد ۱، ص ۸۱-۹۵). تعمق در معانی این کلمات در زمان غزالی و معنایی که او برای آنها می شناسد و برمی گزیند ریشه های فکری او و تقابل او را با اسلام زمانه اش تا حد زیادی نمایان می کند و این خود شایسته تأمل بسیار است.

غزالی در این کتاب بیش از همه متوجه بُعد اخلاقی و عرفانی اسلام است و مشتاقانه همه جا خواننده را به این ریشه فراموش شده تذکار می دهد و اسرار عبادات و تعلیمات فقهی و اسلامی را باز می نماید. تا آنجا که درین راه گاهی افراط می کند و بگفته یکی از ناقدانش «فقه را به تصوف ارزان می فروشد» (سبط ابن جوزی در تلبیس ابلیس. علامه امینی در جلد ۱۱ الغدير. نقل از مقدمه المحجة البيضاء).

عکس العمل افراط آمیز غزالی را باید ناشی از تسلط عظیم و کوبنده فقه بر معارف اسلامی دانست که جای را برای همه چیز دیگر تنگ کرده بود. مثلاً وی آنجا که از وسواس بعضی متشرعین

سخن می گوید و از جهل آنها نسبت به مراتب مختلف طهارت و اسرار آن (و ابعاد روحانی آن) گله می کند، در برابر آنان روش کسانی را با تحسین و تصویب نقل می کند «که دست خود را از چربی و غذا نمی شستند و بلکه به کف پاهایشان می مالیدند. و اشنان (چیزی بجای صابون) را بدعت می شمردند و در مساجد بر روی خاک نماز می گزارند و پا برهنه راه می رفتند و حتی بر روی خاک می خوابیدند... و برای استنجاء پسنگ اکتفا می کردند و از آرد گندم و جو می خوردند که چارپایان آنها را لگدمال و بر آنها بول می کردند... و از یکنفر آنها نقل شده است که سؤالی از دقائق نجاسات کرده باشد... و چنین بود سهل گیری آنان درین امر» (المحجة، جلد ۱؛ کتاب اسرار طهارت، ص ۳-۲۸۲).

احیاء علوم الدین در ۴ بخش است به قرار زیر: ۱- ربع عبادات، ۲- ربع عادات، ۳- ربع مهلکات، ۴- ربع منجیات دانستن عناوین مباحث هریک ازین ۴ ربع برای آشنا شدن بیشتر با محتوای این کتاب پراچ کمک بسیار می کند. و از این رو ما آنها را بطور کامل ذکر می کنیم.

ربع عبادات مشتمل بر ۱۰ کتاب (باب) است:

کتاب علم، کتاب قواعد العقاید، کتاب اسرار الطهارة، کتاب اسرار الصلاة، کتاب اسرار الزکاة، کتاب اسرار الصیام، کتاب اسرار الحج، کتاب آداب تلاوة القرآن، کتاب الاذکار و الدعوات، کتاب ترتیب الاوردفی الاوقات.

ربع عادات نیز ۱۰ کتاب دارد به قرار زیر:

کتاب آداب الاکل، کتاب آداب النکاح، کتاب احکام الکسب، کتاب الحلال و الحرام، کتاب آداب الصحبة والمعاشرة مع اصناف الخلق، کتاب العزلة، کتاب آداب السفر، کتاب آداب السماع والوجد، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، کتاب آداب المعیشة و اخلاق النبوة.

ربع مهلکات نیز ۱۰ کتاب دارد به قرار زیر:

کتاب شرح عجائب القلب، کتاب ریاضة النفس، کتاب آفات الشهوتین: شهوة البطن و شهوة الفرج، کتاب آفات اللسان، کتاب آفات الغضب و الحقد والحسد، کتاب ذم الدنيا، کتاب ذم المال و البخل، کتاب ذم الجاه والریا، کتاب ذم الکبر و العجب، کتاب ذم الغرور.

ربع منجیات هم ۱۰ کتاب دارد بقرار زیر:

کتاب التوبة، کتاب الصبر والشکر، کتاب الخوف و الرجاء، کتاب الفقر والزهد، کتاب التوحید و التوکل، کتاب المحبة و الانس

و الشوق والرضا، كتاب النية والصدق والاخلاص، كتاب المراقبة والمحاسبة، كتاب التفكير، كتاب ذكر الموت و مابعده.

همچنانکه دیده می شود در همه این گفتارها توجه به اسرار و دقائق روحی و باطنی و ابعاد و جهات اخلاقی و عرفانی است و اگر سخن از مسائل فقهی و امثال آن می رود، بخاطر آموزش حداقل لازم آداب فقهی و راه بردن بدقائق و لطائف معنوی این آداب است. امام غزالی خود خلاصه‌یی از *احیاء العلوم* را در کتابی پارسی بنام *کیمیای سعادت* گرد آورده است.

شش قرن پس از غزالی بزرگ، فقیه فیلسوف متکلم و عارف مسلمان و دردمند دیگری بنام ملامحسن فیض کاشانی، این بار از جهان شیعه برخاست و به دلیل اینکه محتوی کتاب غزالی را سودمند و پاسخگوی نیازهای زمان می یافت به احیاء و تهذیب آن همت گماشت. و چنین بود که این کتاب دوباره احیاء شد و نام دیگری یافت: *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، و یا *المحجة البيضاء فی احیاء الاحیاء*<sup>۱</sup>

لامحسن فیض کاشانی که شاگرد و داماد ملاصدرای شیرازی است و خود مؤلف نزدیک به ۲۰۰ کتاب فقهی، عرفانی و فلسفی است از دیدگاه عالمی شیعی و دقیق به این کتاب نگریسته است. و بسیاری از اخبار و روایات مجهول و یا آداب و سنن منقول از صوفیان را که با روح شریعت ناسازگار بوده از کتاب انداخته است. اما کارش فقط به حذف و تهذیب خلاصه نمی شود. وی در همه ابواب کتاب به روایاتی که ابوحامد ذکر کرده، روایات مناسبی نیز از ائمه شیعه افزوده است و در ربیع عادات بجای آداب وجد و سماع که اظهار می کند روش اهل بیت نبوده است، کتاب *آداب الشیعه و اخلاق الامامه* را نهاده است<sup>۲</sup> از این رو کتاب *المحجة البيضاء* کتابی عظیم و گرانقدر شده است که نسبت از هر دوشاخه بزرگ اسلام دارد. و تجلی گاه تفکر دو متفکر بزرگ اسلامی است و حاوی نکات و مباحثی است که هیچ مسلمانی از دانستن آنها بی نیاز نیست.

مقدمه‌یی که مصحح کتاب - علی اکبر غفاری - بر این کتاب افزوده است بسیار روشنگر و آموزنده است. خصوصاً نقدی که علامه امینی بر اصل کتاب احیاء کرده اند، و منقولاتی که از ناقد احیاء سیط ابن جوزی از کتابهایش *تذکرة المنتظم* و *تلیس ابلیس*، آورده اند، پاره‌یی از ضعفها و نادرستیهای کتاب غزالی را آشکار می کند.

مثلاً غزالی نقل می کند که کسی کسی را اجیر کرده بود تا در

برابر مردم او را دشنام دهد. و این بخاطر این بود که بردباری را تمرین کند. و یا کسی در حمام لباس کس دیگری را دزدیده و پوشید و بیرون رفت تا او را گرفتند و دزد حمام نام نهادند. و این بخاطر مبارزه با تکبر بود. و یا در جایی می گوید که قبیح است که اهل دین دنبال کسب روزی بروند و قبیح این کار برای علماء بیشتر است. و شخصی که به سلوک عرفانی می پردازد و از دست دیگران قبول روزی می کند دو کار خوب می کند هم خودش بخدا می رسد و هم انفاق کننده به ثواب می رسد و ...

اینهاست نمونه‌هایی از بسیاری اقوال و حکایات که ملای کاشانی، از اصل کتاب زدوده است و یا نقل و نقد کرده است. خصوصاً بخشی از کتاب که به آداب و رفتار امامان شیعه اختصاص دارد و همچنین کتاب آداب معاشرت و رفتار پیامبر بسیار خواندنی و قابل توصیه است.

البته نمی توان کار غزالی و کار فیض را هم ارز شمرد. بدون شك کار غزالی عظیم تر و دشوارتر و دلیرانه تر بوده است. اما برای ما که اینک جرعه نوش این چشمه سار نوشین و گوارا هستیم. که از دو کوهپایه نشأت گرفته است، تلاش آن دو بزرگ به یک اندازه آموزنده و روشنگر است و هر دو بگونه و از زاویه‌یی راههایی را برای ما روشن کرده اند. قدمهای بعدی به عهده مسئولیت شناسانی است که تعلیمات خداگرایانه این کتاب، تعهد آنان را در برابر خدا تا عمق خون و جانشان دمیده است.

جای ترجمه و یا خلاصه‌یی از این کتاب به پارسی هنوز خالی است. و دریغ است که پارسی زبانان از این کتاب پربرکت بی نصیب بمانند. همت کس یا کسانی که بدین مهم پردازند مشکور و مثنای خواهد بود. والله ولی التوفیق

۱- این کتاب در ۸ جلد، هر جلد بالغ بر ۴۰۰ صفحه، توسط مکتبه الصدوق (تهران، ۱۳۳۹ شمسی) به طبع رسیده است. کتاب توسط آقای علی اکبر غفاری، به صورتی دقیق و محققانه تصحیح و تعلیق شده است و مأخذ همه احادیث و اخبار، در پای صفحه‌ها از مصادر سنی و شیعی با ذکر مجلد و صفحه، همراه با شرح معضلات آنها، آمده است که برای متتبعان بی اندازه سودمند و مقتم است. در ابتدای کتاب نیز مقدمه نقادانه‌یی به املائی مرحوم علامه امینی، بعلاوه شرح حال مؤلف کتاب، ملامحسن فیض کاشانی، به قلم علی اکبر غفاری آمده است.

۲- در مقدمه *المحجة* ملامحسن فیض ذکر می کند که امام غزالی در اواخر عمر هدایت یافته و بشرافت شیعی شدن مشرف شده است.